

قطعه‌نامه درباره: استراتژی ما در جنبش کردستان

الف- مقدمات:

1- فعالیت ما در کردستان جزئی از فعالیت عمومی حزب کمونیست ایران برای سازماندهی و به ثمر رساندن انقلاب کارگری و برقراری حکومت کارگری در مقیاس سراسری است. از این لحاظ، خط مشی عمومی و الگوها و موازین فعالیت سراسری حزب در سازماندهی انقلاب کمونیستی و در به میدان کشیدن طبقه کارگر به مثابه نیروی محرکه اصلی و رهبر هر تحول انقلابی در عرصه سیاسی، بر فعالیت تشکیلات حزبی ما در کردستان نیز ناظر است.

2- بنا بر عوامل گوناگون و از جمله و بویژه وجود ستم ملی و مقاومت و مبارزه علیه آن در کردستان، وجود سنت های مبارزه مسلحانه، و قابلیت کمونیست ها در تبدیل شدن به یک وزنه موثر در صحنه سیاسی، اوضاع سیاسی پس از انقلاب 57 در کردستان سیری متفاوت از سایر نقاط ایران داشته است. در کردستان در برابر هجوم ارتجاع بورژوا - اسلامی یک جنبش مقاومت مسلحانه با حمایت وسیع توده های مردم کردستان شکل گرفت. این جنبش مسلحانه، که در ابتدا به جنبش مقاومت و پس از دوره ای به جنبش انقلابی خلق کرد موسوم شد، از یکسو مانع سلطه بلامنازع ارتجاع بورژوا - اسلامی در کردستان گشت و به تداوم مبارزات اعتراضی دمکراتیک توده ای امکان و میدان بیشتری داد و از سوی دیگر به خواست رفع ستم ملی، تحت عنوان خودمختاری، به عنوان و جه مشترک نیروهای مقاومت علیه جمهوری اسلامی برجستگی بیشتری بخشید.

بدین ترتیب چه از نظر تناسب قوای طبقات و انقلاب و ضد انقلاب و چه از نظر چهار چوب فکری و سیاسی و اشکال مبارزات انقلابی و توده ای، طبقه کارگر و کمونیسم در کردستان با شرایط ویژه و لاجرم وظایف ویژه ای روبروست که در صدر آن رهبری جنبش انقلابی در کردستان، و تبدیل این جنبش به عاملی در گسترش و تقویت مبارزه کمونیستی و طبقه کارگر قرار دارد.

3- بی تردید جنبش انقلابی در کردستان ارتباط تنگاتنگی با مبارزات سراسری در ایران دارد و بویژه در دوره اخیر از درون یک انقلاب سراسری زاده شده است. هر پیشروی در جنبش انقلابی در کردستان و یا هر تحرک انقلابی در مقیاس سراسری، تأثیرات تقویت کننده متقابلی بر یکدیگر خواهند داشت. بعلاوه با توجه به اینکه کردستان، از نظر اقتصادی و سیاسی، یک جزء ارگانیک کل جامعه در ایران را تشکیل میدهد. وجود یک اختلاف فاز تعیین کننده میان پیشروی انقلاب در مقیاس سراسری و در کردستان نا محتمل است. پیوند مجدد جنبش انقلابی در کردستان با یک اعتلای سیاسی سراسری محتمل ترین و در عین حال مطلوبترین حالت ممکن است. با این وجود با توجه به ویژگی های مبارزه طبقاتی و انقلابی در کردستان و وجود یک جنبش متمایز در محدوده کردستان، حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان حزب، کومه له، که خود عامل اساسی در شکل گیری مقاومت مسلحانه وسیع در برابر جمهوری اسلامی و تداوم آن بوده است، باید استراتژی خود را برای پیشروی این جنبش طرح و ارائه نماید.

ب- ارکان استراتژی ما در کردستان:

استراتژی ما در کردستان بر ارکان زیر متکی است:

1- طبقه کارگر و زحمتکشان شهری و روستایی نیروی محرکه اصلی جنبش انقلابی در کردستان را تشکیل می‌دهند. پیشروی و پیروزی این جنبش مستقیماً به درجه رشد جنبش سوسیالیستی و مستقل طبقه کارگر، متحد شدن کارگران توسط و از طریق حزب کمونیست خود و اعمال رهبری این طبقه در جنبش اعتراضی و انقلابی بستگی دارد.

2- شهرها کانون های اصلی اعتراض سیاسی و توده ای و مرکز ثقل جنبش انقلابی را تشکیل می‌دهند. تحرک سیاسی توده ای در روستاها تابعی از تحرک سیاسی شهرها است، و سرنوشت نهایی جنبش انقلابی در شهرها تعیین می‌شود.

3- شرط لازم پیشروی جنبش انقلابی جدایی توده های کارگر و زحمتکش از افق، آرمانها و سیاست های احزاب بورژوازی در کردستان و تقویت کمونیسم در قبال ناسیونالیسم در مقیاس اجتماعی است.

4- پیروزی جنبش انقلابی تنها در شرایط وجود اعتلای سیاسی توده ای در کردستان میسر خواهد بود. درک تفاوت شرایط انقلابی با شرایط غیر انقلابی و وظایف متفاوتی که در هر یک از این حالات بر دوش کمونیست ها و جنبش کارگری قرار می گیرد یک پایه اصلی در تبیین استراتژی پرولتری در این جنبش است.

5- با توجه به تناقضات اقتصادی و سیاسی عمیق رژیم حاکم، مشقات ناشی از جنگ ایران و عراق و نارضایتی عمیق توده های مردم در سراسر ایران وقوع بحران سیاسی، بی ثباتی رژیم و برآمد سیاسی یک امکان مادی و واقعی است. در چنین شرایطی، بویژه در کردستان که کمونیسم و کومه له یک نیروی موثر اجتماعی را تشکیل می‌دهد، تسریع اعتلای سیاسی از طریق پراتیک هدفمند و سنجیده حزب ما امری عملی است.

6- تنها یک مبارزه همه جانبه اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌تواند جمهوری اسلامی را در کردستان در منگنه قرار دهد و مقدمات یک برآمد اعتراضی توده ای و یک تعرض همگانی به موجودیت جمهوری اسلامی در کردستان را فراهم سازد. تلفیق این اشکال مبارزه در یک سیاست هماهنگ اعمال فشار و اعتراض علیه رژیم در کردستان محور وظایف کنونی حزب ما در کردستان است.

7- شکل نهایی تفوق جنبش انقلابی ترکیبی از قیام شهری، بدنبال یک برآمد و اعتراض توده ای، و پیشروی نیروهای نظامی گسترش یافته ما، بیرون راندن قوای سرکوبگر حکومت از کردستان و افتادن کنترل امور بدست قیام کنندگان و نیروی مسلح زحمتکشان به رهبری کومه له خواهد بود.

8- سقوط و در هم پاشیدن نیروها و نهادهای حکومت مرکزی و عقب نشینی آن پایان کار نیست. پیروزی تنها با قدرت گیری ارگانهای قدرت توده ای در شهر و روستا و سازمان یابی یک ساختمان قدرت در کردستان کامل خواهد شد. این قدرت نوین فوراً مطالبات و برنامه های انقلابی کارگران را به مورد اجرا در خواهد آورد. شرط لازم تحقق این امر نه فقط غلبه بر نیروهای حکومت مرکزی بلکه جلوگیری از تلاشهای احزاب بورژوازی در کردستان برای جایگزین کردن نهادهای قدرت حکومت مرکزی با ارگانهای فوق مردمی بورژوازی محلی خواهد بود.

9- تضمین نهایی تداوم پیروزی، در هم شکستن قطعی قدرت بورژوازی در سطح سراسری است. کردستانی که در آن جنبش انقلابی قدرت حکومت مرکزی را در هم شکسته باشد برای نگهداری دست آوردهایش نمی تواند به چیزی جز یک انقلاب سراسری در ایران اتکاء نماید. پیروزی در کردستان برای ما حلقه ای در تحقق استراتژی سراسری کارگران در ایران است.

ج- خطوط کلی مراحل جنبش انقلابی:

بخشی از اهداف مرحله ای که کمونیستها در هر جنبش انقلابی باید مقدماً به آن دست یابند در طول سالهای پس از انقلاب 57 در کردستان متحقق شده است. کومه له به مثابه یک تشکل کمونیستی حمایت اکثریت کارگران مزدی و بخش وسیعی از زحمتکشان کردستان را داراست و کمابیش به سازمان پیشرو حزبی و رهبر توده های کارگران بدل شده است. تبلیغات و فعالیت ما آگاهی طبقاتی کارگران به منافع خود را افزایش داده است. به مطالبات دمکراتیک توده های مردم شفافیت بخشیده و تصویر بسیار روشن تری از محتوی و اهداف جنبش حاضر را در میان مردم تثبیت کرده است. مبارزه مسلحانه علیرغم عقب نشینی ها و محدودیت هایی که بر آن تحمیل شده است. بعنوان یک شکل معتبر مبارزاتی در دوره حاضر و در آینده قابل پیش بینی تثبیت شده و جایگاه مهمی در ممانعت از غلبه مطلق ارتجاع بورژوا _ اسلامی در کردستان داشته است. بورژوازی کرد، چه از نظر نفوذ و افق و دورنمای اجتماعی خویش و چه از نظر اقتدار سیاسی و عملی و حزبی اش بشدت در برابر آلترناتیو سوسیالیستی کارگران و سنت سوسیالیستی مبارزه که کومه له نماینده آن در سطح جامعه کردستان است تضعیف شده است و کمونیسم و سنت مبارزه از طریق حزب کمونیست هم اکنون در جریان غلبه بر سنت بورژوا ناسیونالیستی ایست که مشخصه اصلی مبارزات گذشته توده های مردم در کردستان را تشکیل می داد.

با حرکت از دستاوردهای تاکنونی و بر مبنای ارکانی که فوقاً در باره استراتژی ما در کردستان بیان شد پیشبرد سیاست دوره ای معینی در دستور ما قرار می گیرد.

بطور کلی در فعالیت حزب در کردستان سه دوره متمایز را میتوان تعریف کرد. دوره اول دوره قبل از برآمد وسیع توده ای یا دوره کنونی است، دوره دوم دوره آغاز جنبش اعتراضی توده ای و آستانه اعتلای انقلابی است و دوره سوم دوره اعتلای سیاسی و تعرض نهایی است.

این دوره بندی بر خصلت و خصوصیات وظایف ما تاثیرات مهمی دارد و در هر یک از این دوره ها وظایف و جهت گیری های ویژه ای در دستور ما قرار می گیرد.

I-رئوس وظایف ما در دوره کنونی (قبل از برآمد توده ای)

1-تحکیم رابطه کمونیسم و طبقه، سازماندهی و به میدان کشیدن طبقه کارگر و گسترش اشکال متنوع اعتراض طبقاتی، تبدیل کمونیسم به یک نیروی اجتماعی و تبدیل سازمان کردستان حزب به تشکل رهبران و فعالین مستقیم جنبش کارگری.

2- ایجاد تشکلهای توده ای کارگران و زحمتکشان به نحوی که قادر به مبارزه و حفظ و گسترش وحدت آنها در متن تناسب قوای موجود باشد.

3- ترکیب اشکال اصلی مبارزه (اقتصادی، سیاسی، نظامی) در یک سیاست اعمال فشار هماهنگ و چند جانبه بر دولت مرکزی. تبدیل کومه له به رهبر حرکات اعتراضی مردم، تبدیل رهبران کمونیست به رهبران با نفوذ در مقیاس کردستان.

4- حفظ استحکام و قدرت نیروی مسلح کمونیستی، گسترش آن در حد مقدرات این دوره، حفظ و تقویت استحکام ایدئولوژیک و سیاسی این نیرو.

5- افزایش توان سیاسی و نظامی در رابطه با دولت مرکزی و بهبود دائمی تناسب قوای سیاسی و نظامی با بورژوازی محلی و احزاب آنها.

6- منزوی کردن سیاسی احزاب بورژوازی، تضعیف افق ناسیونالیستی جنبش به نفع افق سوسیالیستی و دمکراتیک انقلابی.

7- آماده کردن رهبران توده ای و آژیتاتورهای کمونیست برای آموزش و هدایت زحمتکشان در شرایط کنونی و نیز هدایت جنبش وسیع توده ای در شرایط گسترش جنبش همگانی و اعتلای انقلابی.

8- گسترش مطالبات و ایده آلهای کارگری و دمکراتیک در سطح جامعه و افزایش ظرفیت و آمادگی کارگران برای قرار گرفتن در راس جنبش اعتراضی و حکومت کردن از طریق شوراها در آینده.

9-.....

II-رئوس وظایف ما در آستانه اعتلای سیاسی

1- گسترش سریع نیروهای مسلح از طریق ایجاد تشکل های نظامی توده ای وابسته به کومه له

2- پیشروی نظامی و آزادسازی منطقه ای

3- سازماندهی اعتراضات وسیع شهری و تدارک برای قیام شهری با پشتیبانی نیروی مسلح انقلابی

4- تشکیل اشکال اولیه سازمانهای قدرت توده ای در شهرها و نیز در روستاها.

5- تدارک برای تسلیح کارگران و زحمتکشان شهری.

6- منزوی کردن جریانات بورژوازی سازشکار و ناگزیر کردن آنها از دنباله روی از بخش پیشرو مبارزه انقلابی (خنثی کردن بندوبست ها، معامله ها و غیره)

7- شکل دادن به یک رهبری مردمی قیام (فراتر رفتن رهبری حزبی از مسئولیت حزبی و تبدیل شدن به عناصر قدرت انقلابی توده ای)

8-.....

III-رئوس وظایف ما در دوره اعتلای سیاسی، قیام و ضربه نهائی

1-مضمحل کردن و تاراندن ارتش مرکزی توسط قیام شهری و پیشروی نظامی نیروی مسلح حزبی و توده ای، تصرف شهرها.

2- استقرار قدرت شورایی در مناطق و شهرها، جلوگیری از جایگزینی ارگانهای قدرت مرکزی با عوامل و نهادهای ماورای مردمی بورژوازی محلی.

3- اعلام رسمی مشروعیت حکومت شوراهای مردم و تضمین قانونیت آن توسط میلپس مسلح مردمی

4- تسلیح همگانی و سازماندهی میلپس توده ای توسط نیروی مسلح کمونیستی. قرار دادن میلپس تحت اتوریته شوراهای مردم.
5- اعلام مطالبات و برنامه های رفاهی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کارگران از جمله طرح کارگران برای رفع ستم ملی بعنوان قوانین جاری در کردستان. به کف گرفتن قوای مجریه، قضائیه و قانون گذاری توسط شوراهای.

6- سازماندهی اداره جامعه توسط شوراهای توسط حاکمیت شورایی.

7-.....

1367/3/26